

روزنامه خاطرات

سید محمد کمره‌ای

جلد اول

دولت مستعجل

به کوشش: محمد جواد مرادی‌نیا

۱۷۵۵۱۰۲

سرشناسه	کمرهای، محمد، ۱۳۴۵-۱۳۲۰.
عنوان و نام پدیدآور	روزنامه خاطرات سید محمدکمرهای/ به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا.
وضعیت ویراست	ویراست ۲.
مشخصات نشر	تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	ج ۳
فروست	مجموعه تاریخ معاصر ایران ۳۸.
شابک	دوره: ۳-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰
یادداشت	ج: ۳-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰
یادداشت	ج: ۳-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰
یادداشت	ج: ۳-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰؛ ج: ۲-۷-۸۵۱۴-۶۰۰-۹۷۸-۰
مندرجات	ج: ۱. دولت مستعجل، ج: ۲. زمامداری وثوق الدوله، ج: ۳. مقدمات کودتای سوم اسفند.
موضوع	کمرهای، محمد، ۱۳۴۵-۱۳۲۰. — خاطرات
موضوع	وثوق الدوله، حسن، ۱۲۵۰-۱۳۲۹.
موضوع	سیاست‌داران ایرانی — قرن ۱۳ق. — ۱۴ — سرگذشتنامه
موضوع	Iran—History—1917-1922—Diaries — خاطرات ۱۲۹۹-۱۲۹۶
موضوع	Iran—History—Coup d'etat of 1921 — کودتای ۱۲۹۹
موضوع	Iran—History—Qajars, 1779-1925 — قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق.
موضوع	Iran—History—Qajars, 1779-1925 — قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق. — جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع	Iran—History—Qajars, 1779-1925 — قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق. — جنبش‌ها و قیام‌ها
شناسه افزوده	مرادی‌نیا، محمدجواد، ۱۳۴۵.
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۰۷۴
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۸ ۸۸/۳۳ ۷۴/۵۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۵۹۱۲۵۱



روزنامه خاطرات سید محمد کمرهای

جلد اول: دولت مستعجل

به کوشش: محمدجواد مرادی‌نیا

انتشارات شیرازه کتاب ما

طراح جلد: پردیس خرمی

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

چاپ اول: اردیبهشت ۹۸

ویرایست دوم

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران، صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۱۱

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶-۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست مطالب

۱۶	شکوه از تعدیات روسها در ریان	۱۶	یادداشت دبیر مجموعه بیست و هفت
۱۶	دار مکافات	۱۶	مقدمه
۱۷	شرط من برای پذیرش نظر تشکیلیون	۱۷	بیست و نه
۱۸	دموکرات شدن سپهسالار	۱۷	رجب ۱۳۳۱ اردیبهشت ۱۲۹۶
۱۸	استفسار حاج میرزا عبدالله از من برای	۱۸	جلسه در مدرسه فقهیین
۱۹	ورود یا عدم ورود به تشکیلات	۱۸	نظر من در باب تشکیلات مجدده مرتبه
۲۰	شرایط خاتمه و قطع کار	۲۰	کدورت ملک الشعراء
۲۱	سیدحسین اردبیلی در مظان اتهام	۲۰	مضرات احرار روسیه
۲۲	سایعات مشهد	۲۱	حیرت از اقدامات تشکیلیون علیه ما
۲۲	مجلس شیخ رئیس و صحبت	۲۱	اصلاح قانون انتخابات
۲۲	جم و ریت	۲۱	اختلافات اصولی و نه شخصی
۲۲	از خانه برای	۲۱	تفصیل اعانه حریق زاده گان آمل
۲۳	علنی شدن محرمات	۲۱	باز هم بحث اصلاح انتخابات
۲۳	ادامه بحث تشکیلات در منزل	۲۱	رفقای تشکیلی
۲۳	اقتدارالدول	۲۱	اصرار به من برای ورود به حوزه
۲۴	اصلاحات نظری	۲۱	یا خروج از فرقه
۲۵	دیدار مستوفی الممالک	۲۱	وثوق الدوله، پهلوان دیپلماسی
۲۶	ترتیب کریم	۲۱	امثال کریم دوانگر
۲۶	تزلزل کابینه	۲۱	سوءاستفاده وثوق الدوله از
۲۷	استخاره های محمدعلی شاه	۲۱	اوضاع بد ایران
۲۸	برای تشکیل کابینه	۲۱	تهدیدات دوانگر
۲۸	مذاکره با نیرالسلطان	۲۱	روابط میرزا علی اکبر ساعت ساز با
۲۸	جذب دکتر حسن خان توسط	۲۱	کنت ریچ روسی
۳۳	تشکیلیون	۲۱	موفق نشدن دولتیان برای سلب
۳۴	وعده انتخاب	۲۱	حق رأی از بی سوادان

- شیوع وبا در آمل ۳۵
- کتابی در شرح مفاسد تشکیلات ۳۵
- تشکیلیون در حمایت از وثوق الدوله ۳۷
- تدابیر جدید رقبای ۳۷
- سوسیالیست دموکرات ۳۸
- صلاح فرقه دموکرات ۳۹
- پیشنهاد اتحاد ۴۱
- هیئت نظار ۴۳
- تشکیل مالی ۴۵
- نمره ۴۵
- جمادی الاخری ۱۳۳۶ / بهمن ۱۲۹۶**
- طمع سردار اسعد ۴۶
- شبیخون جنگلی ها با انگلیسی ها ۴۷
- براوین بلشویک ۴۸
- اثر قطعی بر فرمانفرما! ۴۸
- هواداران جنگل ۴۸
- فوت صدرالعلمای خراسانی ۵۱
- بارش خوب ۵۱
- رسیدن نامه مساوات و مهاجرین ۵۱
- خرج فاتحه صدرالعلماء ۵۳
- کتک کاری ملک الشعراء و ۵۳
- مخبر السلطنه ۵۶
- شرارت میرزا مهدی خوانساری و ۵۶
- رجبعلی ۵۶
- سختی نان، شورش زن‌ها و بستن ۵۸
- بازار ۵۸
- میتینگ علیه انگلیسی‌ها ۶۰
- مشاور الممالک و پول خرج کردن برای ۶۱
- رئیس الوزرا شدن ۶۱
- تشییع جنازه صدرالعلماء ۶۱
- مذاکرات بدون نتیجه ۶۲
- چه باید کرد؟ ۶۳
- نظر بی طرفی میرزا کوچک خان نسبت به ۶۳
- دسته‌های طهران ۶۳
- سقوط بغداد ۶۴
- امور روزانه ۶۴
- ارتباط یا عدم ارتباط ۶۶
- مبهوت از اخلاق مردم ۶۸
- ذلت عمومی و نیست شدن مردم ۶۹
- اوقاف بروجرد ۷۰
- اوضاع دولت ۷۱
- باغ ظهیرالدوله ۷۱
- تعدیات صلحیه و حکومت کمره ۷۲
- بی‌پولی و بی‌معاشی مردم ۷۴
- سردار محیی و جنگلی‌ها ۷۴
- سرگذشت برخی مهاجرین در ۷۴
- اسلامبول ۷۴
- پروتست نامه خطاب به شاه ۷۵
- دلگیری از زمانه ۷۶
- تلف شدن دولابی‌ها از گرسنگی ۷۷
- استفاده "قنطارالدوله از مأموریت ۷۷
- در ارباب ۷۸
- خراب شدن یک کار بزرگ سیب زمینی ۷۹
- علامت شخص ۸۰
- فقر خانه ۸۰
- دلتنگی از مستوفی الممالک ۸۲
- خبرهایی از همه جا در ۸۲
- بیداری ایران ۸۲
- جمادی الثانی ۱۳۳۶ / اسفند ۱۲۹۶**
- حمام‌های خلوت و بی مشتری ۸۳
- آه از هرج و مرج ۸۳
- مشکل ناظم الشریعه ملابری ۸۴
- میتینگ شاهزاده‌ها به هواداری ۸۴
- سلیمان میرزا ۸۴

۱۰۳	جنگ بر سر حکومت اصفهان	۸۵	کفالت حسین خان لله
۱۰۳	خبرهایی از مهاجرین	۸۵	بازگشت معظم السلطنه از اسلامبول
۱۰۳	مخبر السلطنه و وضع قانون دماغی	۸۵	ترور رکن الاسلام
۱۰۴	نیرنگات بینش و منوچهرخان	۸۶	رفقای ضررزن و ضررخور
۱۰۵	قرار تأسیس تشکیل ملی	۸۷	کمیسیون تقسیم برنج
	مذاکرات شیخ ابوطالب تبریزی با	۸۸	مفتشین کمیسیون برنج
۱۰۶	کامران میرزا		بازگشت خلخالی از مهاجرت همراه
	محکومیت مصدق السلطنه و چند	۸۸	بازر جدید
۱۰۶	مدیر مالیه	۸۹	بهرارای زن جدید خلخالی
	تصویرنامه هیئت دولت درباره	۹۰	توقفت همه جراید
۱۰۷	حقوق و شغل خلخالی	۹۰	نیرالسلطان و اردلان که نه مجازات
۱۰۷	دلتنگی مهاجران از یکدیگر	۹۱	گرسنگی مردم
۱۰۸	موافقت مستوفی با تشکیل ملی	۹۱	جلسه کمیسیون برنج
۱۰۸	اخبار کرمانشاه		اعانه امریکایی ها در ولایت اوم
۱۰۸	پیشرفت جنگلی ها در مازندران	۹۱	انگلیسی ها
	تصمیم برای نحوه ارتباط با	۹۲	آزادی حسین خان لله
۱۰۸	جنگلی ها	۹۲	ترور بینش
	شنج در مجمع دمکرات های	۹۳	دیدن حسین خان لله
۱۰۹	تشکیل	۹۴	نظر اعتدالی ها درباره کمره ای
۱۰۹	قدرت اتحاد ملی لرستان	۹۵	مخبر السلطنه؛ تعریف از پدر ویلهلم
۱۱۰	همراهی مصدق با اتحاد ملی		وضع زندگی خانواده صدرالعلماء
	بازگشت مدرسو و سید یعقوب	۹۶	پس از مرگ او
۱۱۱	شیرازی از مازندران	۹۷	تشکیلات ملی در بروجرد
	صحبت مصدق درباره کمیته	۹۷	اظهار تنفر تبریزی ها از ولیعهد
۱۱۲	خودش	۹۷	تقسیم اوراق نفتیشیه
	گله سفیر عثمانی از ایرانی ها		آمادگی معاون السلطنه برای پیوستن
۱۱۲	کمره ای	۹۹	به تشکیل ملی
۱۱۳	کمره ای، معتمدالدوله و فرمانفرما	۹۹	نوکران امیرمفخم
	از دسایس تشکیلیون نسبت به من	۱۰۰	صحبت تقسیم اراضی
۱۱۳	کاغذ به فرمانفرما		دعوت از من برای پیوستن به
۱۱۴	ماجرای نامه به فرمانفرما	۱۰۱	جنگلی ها
۱۱۵	جلسه کمیته حزب دمکرات	۱۰۲	تمایل مردم به مسلک تشکیل ملی
۱۱۷	کسب مشاوره مصدق از کمره ای	۱۰۲	ترور اسکندر خان قفقازی

رجب ۱۳۳۶ / فروردین ۱۲۹۷

- سؤالات و پیشنهادات میرزا جعفر تنکابنی ۱۳۵
- حکایت‌های غریب از تویسرکان و همدان ۱۳۵
- ترمیم کابینه ۱۳۶
- شروع به تشکیل ملی در بروجرد ۱۳۶
- نارضایتی مردم از انتقادات تدین ۱۳۷
- وساطت فراش وزارت فوائد عامه نزد وزیر ۱۳۷
- گزارشی از مسلمان‌کشی بلشویک‌ها در بادکوبه ۱۳۸
- مخالفت مخبرالسلطنه با اتحاد ملی بروجرد ۱۳۸
- خبر گرفتاری میرزا مهدی خوانساری مستوفی گول مخبرالسلطنه را ۱۳۸
- می‌خورد ۱۳۹
- خبر سقوط پاریس ۱۳۹
- دکتری از مستوفی ۱۴۰
- گفتار تدین با حاج جلال لشکر درباره حساب‌های حسین ۱۴۰
- اخراج تدین توسط جنگلی‌ها ۱۴۱
- گفتگوهای خانه "نظم" بار کرمانی ۱۴۲
- نقشه تدین علیه جنگلی‌ها ۱۴۲
- گزارش مشیرالسلطان از ماه‌ارزیت محرم‌نامه‌اش ۱۴۳
- به زنجان از سوی مظفرالدین‌شاه ۱۴۳
- خلاف‌های امین مالیه شهریار ۱۴۴
- ملاقات با مخبرالسلطنه درباره حکومت بروجرد ۱۴۵
- یک مرتبکه اروپایی به وزیر داخله ما می‌خندد ۱۴۵
- اخبار بادکوبه ۱۴۵

- فوت شاه‌رودی ۱۱۸
- از دسایس اقتدارالدوله ۱۱۸
- توصیه به خوانین لرستان ۱۱۸
- شایعه ازدواج مجدد مساوات در مهاجرت ۱۱۹
- اهداف جنگلی‌ها ۱۱۹
- درباره حسین خان‌لله ۱۱۹
- تجارت قشون برای مقابله با جنگاها ۱۲۱
- پیشنهاد ارباب که خسرو به مدرس ناامیدی از سمیمیه رفقا ۱۲۲
- بدی داخل لندن را مردم ۱۲۳
- حرف‌های سفیر عثمانی ۱۲۳
- دیپلماسی ایرانی‌ها ۱۲۴
- پیشنهادتشکیل کمیسیون جری ۱۲۴
- تغییر لحن خلخال درباره نجم‌آبادی ۱۲۶
- دارالعبزه ۱۲۷
- مستوفی کار نمی‌کند ۱۲۷
- رفتن ناگهانی معاون السلطنه به برلین ۱۲۸
- اوضاع کمره مغشوش است ۱۲۸
- تلگراف از همدان ۱۲۹
- خبرهای سید یعقوب از مهاجرین ۱۲۹
- وضع رئیس اوقاف دامغان ۱۳۰
- صحبت وزارت جنگ امیرمفخم ۱۳۱
- به سلامتی استقلال انگلیس ۱۳۱
- دردسر نصب حاکم لرستان ۱۳۲
- ملاقات با مستوفی درباره حکومت بروجرد و لرستان ۱۳۲
- شایعه ورود محمدعلی میرزا به خراسان ۱۳۳
- تلگراف تهدیدآمیز بروجردی برای دولت ۱۳۴

۱۶۸	تعهد صمصام السلطنه	۱۴۷	کتک سردار اسعد به نیرالسلطان
۱۶۸	تشابه و تجانس به معاویه		میل امیرمفتح به حکومت بروجرد
۱۶۸	بی‌عمقی وزارت داخله	۱۴۸	و لرستان
۱۶۹	آزادی قاضی ارداقی	۱۴۹	ناخوشی زیاد در شهر
	کناره‌گیری و ثوق السلطان از		یزدی‌ها: مذاکره در عزل
۱۶۹	تشکیلات	۱۵۰	مشیرالممالک
۱۷۰	شما به هیچ‌کس احتیاج ندارید	۱۵۱	تشابه اسمی و ماجرای جالب
۱۷۱	باز هم درباره حکومت بروجرد	۱۵۲	جشن قزاق‌های آتریاد همدان
۱۷۱	جلسه خانه ارباب کیخسرو	۱۵۳	یدار رئیس الوزرا
۱۷۱	خیانت اقتدارالدوله در گندم عراق	۱۵۳	پس‌و‌پیش وزیر داخله به بروجرد
۱۷۳	رشته‌خواهی برادر سردار اسعد		میل مخبرالاصغر به اغتشاش
	انتقال محبوسین کمیته مجازات به	۱۵۴	بروجرد
۱۷۳	یک خانه	۱۵۵	تلگرافات بروجرد
۱۷۵	درخواست مجازات اشرار قم	۱۵۷	ترور رئیس تشخیس عایدات
۱۷۶	تصرف دوایر دولتی نهایند		تعریف سردار محیی از رساله
۱۷۶	تمایل تشکیلیون به ترور من	۱۵۸	صلاح امروزه
۱۷۶	تشکیل پلیس جنوب	۱۵۸	انتقال جنازه نیرالدوله به خرابه‌ها
۱۷۸	ترور رئیس کمیسری تأمینات		روز دزدی، عصر عیاشی؛ شب
۱۷۸	مجمع آذربایجان	۱۵۹	کنفرانس در مذمت دزدی
	تأکد اذکار مکررات‌های سمنان در	۱۶۰	دعوا بر سر مالیه بروجرد
۱۷۹	حمایه از ارباب حشمت	۱۶۱	عقیده صحیح اما غیرعملی
۱۷۹	مطالبی درباره اقتدارالدوله		انتصاب مرآت‌الممالک به ریاست
۱۷۹	گسترش کاری عصبه	۱۶۱	تشخیص عایدات
۱۸۰	بی‌انصافی خدایان و ادبی من	۱۶۲	ارمنی‌کشی در آذربایجان
۱۸۰	اغتشاش کمره	۱۶۳	استعفای وزرا
۱۸۱	گلوله‌خوردن حسین خان	۱۶۴	اوضاع مغشوش
۱۸۲	دارزدن عباس، آدم میرزا هاشم خان	۱۶۵	انقلاب در قزوین
۱۸۲	ملاقات حسین خان‌الله	۱۶۵	توصیه بینش
۱۸۲	گلدستون و قرآن	۱۶۶	مشکلات خانواده مساوات
۱۸۳	تقاضای رفع توقیف از جراید	۱۶۶	ناله و ضجه اطفال
	به دارزدن فهیم‌الممالک قاتل	۱۶۷	جایزه برای لودادن انبار گندم
۱۸۳	میرزا مصطفی خان	۱۶۷	دوسیه معاون همایون
۱۸۳	و مُردن مادرش پای دار پسرش	۱۶۷	فوت آقامیرزا عبدالشکور

- ۲۰۲ مذاکرات حلقه لژ بیداری ایران
- ۲۰۳ تشکیل فرقه در بارفروش
- ۲۰۴ ترلز لژ کابینه
- ۲۰۵ خبرهایی از یزد
- ۲۰۵ رئیس ما باشید
- ۲۰۶ تربیت خودسری
- ۲۰۷ تشتت عمومی
- ۲۰۷ احوالپرسی حسین خان‌لله
- ۲۰۸ گرفتاری نجم‌آبادی
- ۲۰۹ اظهارات اسلامبولچی
- ۲۱۰ قوت آقامیرزا مسیح ارومیه‌ای
- ۲۱۰ اتحاد اسلامی تقلبی
- ۲۱۰ هرج و مرج مالی
- ۲۱۱ مأمور انگلیس
- عملیات مستعان و قریه خالصه
- ۲۱۲ مازندران
- ۲۱۳ قوه مشروطه
- ۲۱۵ دربار به دربار نیامدند
- ۲۱۶ ضدیت با بدی نه با اشخاص
- ۲۱۶ نقشه ترور محمود پهلوی
- رسالت کازخیم به آخرین
- ۲۱۷ رگ حیات
- ۲۱۸ هنگامه سخت رانندگی با سبک‌تر
- ۲۱۸ اخبار حلقه لژ بیداری
- خیانت اقتدار (از زبان ارباب)
- ۲۱۹ کیخسرو
- ۲۲۱ برنج برای برادران و نزاع لفظی
- ۲۲۱ پس‌انداز شاه در بانک فرانسه
- ۲۲۲ تفصیل محمود پهلوی
- ۲۲۲ اندر احوال مشاور الممالک
- ۲۲۳ در منزل محبوسین کمیته مجازات
- معروف شدن مجازاتی‌ها به دسته
- ۲۲۴ کمره‌ای
- دیدن رئیس‌الوزرا برای تعیین
- ۱۸۵ حکومت بروجرد و تنبیه اشرار قم
- ۱۸۶ شیمانی صمصام از پذیرش
- رئیس‌الوزرایی
- ۱۸۷ حلقه لژ بیداری
- ۱۸۷ احوال تقی‌زاده در برلن
- نگاهداری پنجاه یتیم توسط
- ۱۸۸ حاج سخرضا کتاب‌فروش
- ۱۸۸ تمان به انگلیس
- ۱۸۹ سهم ایران در کنفرانس صلح
- ۱۹۱ ورود قشون انگلیس به قزوین
- بمباران ایل حاجی‌تخت‌هواپیماهای
- ۱۹۱ انگلیسی
- ۱۹۲ خیانت درگندم کمره‌من
- ۱۹۳ حصه قربانی می‌گیرد
- قتل آسیابان در کمره برای عارت
- ۴ آرد
- بی‌فایده‌بودن تشکیل ملی در این
- وقت
- ۱۲۹۷ / ۱۳۳۶ شعبان / اردیبهشت
- ۱۹۵ کمیته ملی
- ۱۹۵ حقوق‌گیران انگلیس
- تلاش برای ائتلاف دمکرات و اتفاق
- ۱۹۶ ترقی
- ۱۹۶ دولتی شدن نرخ برنج
- ۱۹۷ پیش‌بینی روزهای بد
- ۱۹۷ اظهار همراهی ظهیرالاسلام
- شاه و انگلیسی‌ها نمی‌گذارند کار
- کنیم
- ۱۹۷ خبری از تعیین حاکم برای بروجرد
- ۲۰۰ نیست
- ۲۰۱ سیاست غیر از دیانت است

۲۴۲	انجمن انگلیسی اتحاد	۲۲۴	خیالات و ثوق الدوله
۲۴۳	هنگامه نهاوند از الوار و اشرار	۲۲۵	نامه کمیته مرکزی دانشاقتسیون
۲۴۴	تمهید شاه برای تعیین کابینه	۲۲۵	قرار ملاقات
۲۴۵	فروش کتاب	۲۲۶	استعفاى وزیر مالیه
۲۴۵	تعطیلی واگون ها	۲۲۶	کفالت فقرای کن
۲۴۶	بی تکلیفی مجازاتی ها	۲۲۷	وزرا، متعمد در خرابی مملکت
۲۴۶	تحركات دموکرات ها	۲۲۸	وضع صلحیه
۲۴۷	اخبار حلقه لژ بیداری	۲۲۸	هیئت وزرا در انتظار انفصال
	جلسه علما، شاهزادگان و سایر	۲۲۹	در مسه و قزوین
۲۴۷	رجال برای انتخاب رئیس الوزرا	۲۲۹	در خانه
۲۴۸	نقشه ها برای تعیین رئیس الوزرا		انصراف صدام، سلطان از
۲۴۸	شکوه سفیر امریکا	۲۳۱	استعفا
	تعطیلی جلسات لژ بیداری در	۲۳۱	توقیف دزد هر نام و در به خانه
۲۴۹	ماه رمضان		میل تشکیلیون به رئیس الوزرای
۲۵۰	خبرهایی از مهاجرین	۲۳۲	و ثوق الدوله
۲۵۱	ورود میرزا طاهر تنکابنی	۲۳۳	اوضاع بد کمره
۲۵۱	دلیل ایجاد جریده زبان آزاد	۲۳۴	در جمع برادران لژ بیداری
۲۵۳	چند چشمه از دخل شیخ حسن خان	۲۳۴	سفارش به اداره فواید عامه
۲۵۳	دلیل ایرشدن تشکیلات	۲۳۷	سرگرم ساختن دموکرات ها
۲۵۴	دولت و حق السلطنه		پیش بینی ائتلاف مجازاتی ها در
۲۵۴	مس خایه خرون در تهران	۲۳۷	دولت و ثوق الدوله
	رمضان ۱۳۳۱ / خرداد ۱۲۹۷	۲۳۷	توصیه به جنگل
۲۵۸	حصه همچنان برای من گیرد	۲۳۸	اندر احوال محتشم السلطنه
۲۵۸	قرار ترحیم	۲۳۸	... و نصیر السلطنه
۲۵۹	ضجه مردم از بدی نان جو		مأموریت محرمانه ارباب
	التماس دعای محبوسین کمیته	۲۳۹	کیخسرو
۲۶۱	مجازات		عللی ناکامی ضد تشکیل در
	افطاری مصدق السلطنه و تبادل	۲۳۹	مازندران
۲۶۱	تازه ترین اخبار	۲۴۰	کارکنان و ثوق الدوله
۲۶۲	تولید وحشتی غریب	۲۴۰	مرگ از بی معاشی
۲۶۳	تحولات مالیه	۲۴۱	عزل اعظام الوزاره از حکومت نطنز
۲۶۴	ترور صبا	۲۴۱	خیانت اقتدار
		۲۴۲	فوت میرزا اسدالله پدر

- تجمع اعتدالی‌ها در مسجدشاه و
تقاضای انتصاب و ثوق الدوله به
نخست‌وزیری ۲۶۵
حملات انگلیسی‌ها به جنگلی‌ها و
قشقایی‌ها ۲۶۶
سفارش محبوسین به عدل‌الملک ۲۶۶
مزایده ریاست‌الوزاری ۲۶۶
بساط جمع دیگ پلو در
م. بندش ۲۶۷
مرگ بی‌ناشی از وبا ۲۶۸
فعالیت ای. ج. ری ۲۶۸
عزل و نصب‌های جدید ۲۶۹
فحش دادن سردار محبوسین ۲۶۹
ظهور الاسلام ۲۶۹
بدگویی ناصرالدوله ۲۷۰
کاغذ احسان‌الله‌خان از جنک ۷۰
به‌هم‌خوردن تجمع مسجدشاه ۱۰۱
نصب عدل‌الملک به حکومت
همدان ۲۷۲
ملاقات محبوسین ۲۷۳
مسجدشاهی‌ها به حضرت عبدالعظیم
می‌روند ۲۷۳
حال جنگلی‌ها مساعد نیست ۲۷۳
فراوانی نان ۲۷۴
ریشه وقایع مسجدشاه ۲۷۵
سفارش از بندرگز ۲۷۶
صمصام و سوسیالیست‌ها ۲۷۷
تحصن در حضرت عبدالعظیم ۲۷۷
خبرهای روز در حجره خلخال ۲۷۷
انفجار بمب در خانه مستشارالدوله ۲۷۸
در منزل محبوسین کمیته مجازات ۲۷۹
تأیید و انکار خدمات تقی‌زاده ۲۸۰
ختم در منزل علاءالدوله ۲۸۰
- «ژولی» ۲۸۰
زنده‌باد دیگ پلو ۲۸۱
خبر مردن ظل‌السلطان اما دروغ
شد ۲۸۲
از مفاسد سردار معظم خراسانی ۲۸۲
تداوم گرفتاری‌های صمصام‌السلطنه ۲۸۳
ذات متقلب ننه اسماعیل ۲۸۳
گلایه خلخال ۲۸۴
دست‌دادن ایرانی‌ها قیمت ندارد ۲۸۵
منزل فرمانفرما ۲۸۶
وساطت سالار لشکر برای پیوستن
من به تشکیلی‌ها ۲۸۷
درخواست از نصرت‌الدوله برای
کمک به آزادی محبوسین ۲۸۷
نظر شاه درباره کمیته مجازات ۲۸۷
شاگردی ناصرالملک ۲۸۸
دفاع اقتدارالدوله از خود ۲۸۹
جلسه مجمع دمکرات‌ها ۲۹۰
همراه صمصام با سوسیالیست‌ها ۲۹۰
مشکل مردم و مشکل سیاستمداران ۲۹۱
مجلس اعیان ۲۹۱
تنقید عالی رساله صلاح
امروزه ۲۹۲
ضدیت دمکرات‌ها با کمیته صمصام ۲۹۲
گربه‌رقصانی انگلیسی ۲۹۳
جدیت بینش برای مصدق‌السلطنه ۲۹۴
ادعای ضدتشکیلی بودن قوام‌السلطنه ۲۹۴
ترور مازور استوار ۲۹۵
فوت سیدحسین اردبیلی ۲۹۶
اخبار تجمع در حضرت عبدالعظیم
انتصاب امیرمفخم به حکومت
اصفهان ۲۹۷
قضاوت بین دو دسته از رجال ۲۹۸

۳۱۰	انتصابات جدید	۲۹۸	وحشت از مرگ‌های اسهالی
۳۱۰	سرنوشت محبوسین		قصد تشکیل یون از حمله به کابینه
۳۱۱	اعلان نظامی شدن شهر	۲۹۸	صمصام
۳۱۲	اندختن بمب به خانه مستشارالدوله		تقسیم پول بین متحصنین حرم
۳۱۲	حبس حبیب‌المجاهدین	۲۹۹	حضرت عبدالعظیم
۳۱۳	بازگشت متحصنین به تهران	۳۰۰	نخوردن از ترس بیماری
	مدیرالایاله خواستار حکومت		مدرس در پی نخست‌وزیرکردن
۳۱۳	کمره و گلپایگان	۳۰۰	وثوبالدوله
۳۱۴	وزارت‌خواهی تشکیل یون	۳۰۰	ناوش در همه جا
	تقلبات حاج سیدمحمد صراف در	۳۰۱	روزنامه برای خلخال
۳۱۵	مجلس	۳۰۱	فوت محبت سیدانه
	رفت و آمد سید ضیاء به خانه		تصمیم تشکیلی‌ها را تکذیب ضد
۳۱۶	وثوق‌الدوله	۳۰۱	تشکیلی‌ها
۳۱۷	یک طعمه صدرایی	۳۰۲	هواخواهان امتیاز بده ایران
			تیراندازی در بازار و بسته شدن
		۰۴	دکان‌ها
			سنگربندی در گلدسته‌های
			مسجدشاه
		۳۰۵	قصد اخاذی برادر مساوات
			بیان‌نامه بر ضد کابینه و هیجان
		۳۰۵	دمکرات‌ها
		۳۰۶	الحاق ژاندارم‌ها به مجاهدین
		۳۰۶	مردن ظل السلطان
		۳۰۷	گرفتاری سنگری‌های مسجدشاه
		۳۰۷	دلیل قهرکردن من در جلسه دیشب
			تهدید صمصام السلطنه توسط سفیر
		۳۰۷	انگلیس
		۳۰۸	اقدامات قوام السلطنه در خراسان
		۳۰۸	تحركات انجمن مهاجران
			سفارش محبوسین کمیته مجازات
		۳۰۹	به امیرمفخم
			ورقه در مذمت پلوچی‌های شاهزاده
		۳۰۹	عبدالعظیمی

شوال ۱۳۳۶ / تیر ۱۲۹۷

	آمان جمعیت شاهزاده عبدالعظیمی‌ها
۳۱۸	به شهر غیر از مدرس
۳۱۸	معاونت مصدق السلطنه
۳۱۹	نامه مدرس
	چرخ‌کدازتن در خیابان‌ها به دستور
۳۲۰	حکومت نظامی
۳۲۱	مرگ‌های پری
۳۲۲	مرگ سیدهاشم و سید
۳۲۲	ارتشا در عدلیه
۳۲۲	مدرس گول خورد
۳۲۳	حبیب‌المجاهدین و حبس تاریک
۳۲۵	منزل محبوسین
۳۲۵	ترحیم سلطان محمد خامس
۳۲۵	اقتدارالدوله و گندم عراق
۳۲۷	مدرس و نصرت‌الدوله
۳۲۸	اسباب پیشرفت پلیس جنوب
۳۲۸	اعدام قاتل ظهیرالممالک

- مهمان در باغ حاج سیدرضا ۳۴۶
- فیروزآبادی ۳۲۹
- بخشش قاتل ظهیرالملک ۳۳۱
- مشارالملک و ثقلب ۳۳۲
- احتمال صدارت عین‌الدوله ۳۳۳
- نامزد حکومت ری ۳۳۳
- احتمال سقوط کابینه صمصام ۳۳۴
- انگلیسی‌ها و تجارت قند ۳۳۴
- رزا علی اکبر ساعت‌ساز و خروج از ریاست ۳۳۵
- این چه دسته‌بندی است؟ ۳۳۶
- مهمانی صمصامی نقر ۳۳۶
- دمکرات و نقطه اتکا ۳۳۶
- آزادی حبیب‌الله ۳۳۷
- صمصام و نطق امام‌شاه ۳۳۷
- مخالفت شاه با وزارت ۳۳۷
- مصدق السلطنه ۳۳۸
- یادم آمد حقه‌بازی زنجانی در سابق ۳۳۸
- پست جدید وقارالسلطنه ۳۳۹
- وارونه‌شدن اوضاع روسیه و سختی اوضاع انگلیس ۳۴۱
- کفالت قاضی ارداقی ۳۴۲
- اخبار امروز ۳۴۲
- ناخوشی بد در کمره و فرار اهالی به اطراف ۳۴۳
- استفاده عناصر فاسد از ترورهای خوب ۳۴۳
- تلاش برای آزادی عمادالکتاب و ابو‌الفتح‌زاده ۳۴۵
- نرخ‌گذاری دولتی و نیایی اجناس ۳۴۵
- نظرها درباره ریاست وزرایی و وثوق‌الدوله ۳۴۶
- انجمن برای کارهای هوسی ۳۴۶
- اخبار شیخ احمد رشتی از جنگل اصلاح بین مرآت‌الممالک و انتیکه‌چی ۳۴۷
- علت گرفتاری بادمچی در تبریز ۳۴۸
- محاصره صولت‌الدوله قشقایی ۳۵۰
- سوختن رشت در آتش پیشنهاد نمایندگی تهران و رد کردن من ۳۵۳
- مجمع دمکرات‌های طرفدار وثوق‌الدوله ۳۵۳
- قیمت ارزاق ۳۵۳
- قطعه‌نامه دمکرات‌ها علیه کابینه صمصام ۳۵۴
- آگاه از فعالیت‌های آگاه ۳۵۵
- صحبت آذریاجان ۳۵۵
- استدعای سردار معظم از کمیته مجازاتی برای تأمین خود ۳۵۷
- راپورت ویستادهل به شاه ۳۵۸
- اعلام اعتیاد به غذاهای تحریم ۳۵۸
- پیش‌بینی حیات بازاری‌ها ۳۵۹
- نامه‌های سید به شیخ حسین گیوه‌فروش ۳۵۹
- وارنمودن نجم‌آبادی ۳۶۰
- طهران، تحت مواظ ۳۶۰
- اعلان دولت الغاء تحریمات و معاهدات با روسیه و اراضی ۳۶۰
- جشن نان در تبریزی ۳۶۱
- حیرت در کار دولت ۳۶۲
- بعضی مفاسد معاون‌السلطنه ۳۶۳
- فضولی‌های ویستادهل ۳۶۴
- کنترات مدیر کوکب ایران و اسعدالسلطان ۳۶۵

۳۸۴	جمع	۳۶۶	پیگیری امر محبوسین کمیته
	دمکرات‌ها در تکاپوی گشایش		مجازات از سردار جنگ
	ذی‌قعدة ۱۳۳۶ / مرداد ۱۲۹۷	۳۶۶	سوختن دست عمادالکتاب
۳۸۴	ترور فتح السلطنه	۳۶۷	تب و لرز
۳۸۵	زدن دزد به خانه انتیکه‌چی	۳۶۸	تفصیل سید آهن‌تاب
۳۸۶	مضمون‌گفتن دلاک‌ها	۳۶۸	اخلاق عالی قاضی ارداقی
۳۸۷	تنازع دموکراتیک	۳۶۹	مخالفت با تشکیل حزب جدید
۳۸۷	پرداخت حقوق معوقه	۳۶۹	حال ابنه با شاه
۳۸۸	وضع ناگوار راه قم-تهران	۳۷۱	اغتشاش وضع ساوجبلاغ
۳۸۸	یک خیانت از کمیته	۳۷۱	سختی امر نان
	مفقودشدن دوسیه اصلی کمیته		دسایس پرویز کسری تربید
۳۸۹	مجازات	۳۷۲	سپهسالار را ببیند و بیره
	کاغذنظمیه به عدلیه درخصوص تعقیب	۳۷۲	استیضاح شاه
	کمیته مجازات و مستوفی الممالک	۳۷۳	کوکب، آلت دست حضرت الدوله
۳۹۰	شریک دزد و رفیق قافله	۳۷۴	حیرت از پرده آخر
۳۹۰	کدام تزلزل کابینه	۳۷۵	دو کابینه، یکی نر، یکی ماده
	دن امتیاز جریده ایران		ترتیب تجمع و جوه ملت برای
۳۹۰	به ملک الشعرا	۳۷۶	توضیح از شاه
۳۹۱	گوشه‌ای مرسید مصطفی خان	۳۷۷	قبایح مستشارالدوله و ممتازالدوله
۳۹۲	اطلاع از باطن افراد	۳۷۷	جهت حیرت من در الغای معاهدات
۳۹۳	عزل میرزا اسماعیل خان از استرآباد	۳۷۸	مشورت‌های و ثوق الدوله
۳۹۳	تلگراف آذربایجان قطع است		طرفدار سلب اسارت و الغای
۳۹۳	احتمال اعدام حسن ارضی	۳۷۹	معاهدات
۳۹۴	مراجعت عیال قاضی ارداقی		گرفتاری دوباره اعضای کمیته
۳۹۴	پیغام ارداقی به من	۳۸۰	مجازات
۳۹۵	دستخط ملائمت اثر	۳۸۰	عزل و نصب‌های جدید
۳۹۵	رساله یک کلمه	۳۸۱	سانسور تلفن‌ها و تلگرافات
۳۹۶	ثروت مطبوعاتی	۳۸۱	دلیل گرفتاری جدید کمیته مجازات
۳۹۷	تفصیل تیرخوردن فتح السلطنه	۳۸۲	دستگیری‌های گسترده‌تر
۳۹۷	توصیه سردار اسعد	۳۸۲	شبنامه
۳۹۷	قرار ملاقات با و ثوق الدوله	۳۸۳	پیغام تهدید اقتدارالدوله ضعیف النفس
۳۹۸	استحقاق خواب بیشتر		اطمینان از و ثوق الدوله، فهمیده و
		۳۸۳	قوی النفس

- ۴۱۲ طبرستان
جمهوری طبرستان و خیالات
۴۱۲ امیرمؤید
مخالفت امیرمؤید با میتینگ
۴۱۳ ضد انگلیسی
فرار مستعان از مازندران ۴۱۳
پیشنهاد شیخ عبدالعلی برای کار
۴۱۴ تشکیلاتی و مخالفت من
۴۱۵ کمبود ذغال
۴۱۵ بی‌انصافی تدین و کاشانی
۴۱۵ نان را به قیمت روز باید خورد!
نقل عدل‌الملک از کمیته مجازات
۴۱۶ و غیره
۴۱۶ کیفیت کمیته
۴۱۷ دمکرات‌های صالح و غیر صالح
۴۱۸ افتراء معاون السلطنه به من
۴۱۹ قهر و آشتی بر سر منافع دموکراسی
جنگ پسر امیرمفتح با برادر
۴۲۰ سردار اسعد در کمره
۴۲۰ سیرت از مراودات معاون السلطنه
۴۲۱ به سر به عموم و نه دسته‌بندی
۴۲۱ گرفتن نمای ملکی معتمدالدوله
درگیری از سلسله مجازات در
۴۲۲ زندان
مواعید نصرت الدوله
۴۲۳ گرسنه
۴۲۳ میرزا ماشالله، درویش واقعی
۴۲۴ اغتشاش نه‌اوند
۴۲۴ خبرهای داخلی معاون السلطنه
محرمین تحصن حضرت
۴۲۴ عبدالعظیم
روایت عماد و قاضی از درگیری
۴۲۵ داخل زندان
- ۳۹۸ مشورت حکومتی
۳۹۹ روال کاری وثوق‌الدوله
۳۹۹ عزل مارلینگ به خبر ممیززاده
۴۰۰ بازداشت صبا
اشاره‌ای به مانوسین و محشورین
۴۰۱ دولت
نقش محشورین در تبدیل فاسد به
انسد ۴۰۱
۴۰۲ اصل موسوع
۴۰۲ اسرار لال دولت
۴۰۳ قول وثوق‌الدوله‌ای
۴۰۴ وثوق‌الدوله و کمیز مجازات
۴۰۴ شارلاتانی‌های مخالفان
دلیل اختلاف در کمه‌ای و
۴۰۴ وثوق‌الدوله
۴۰۵ ملاقات با قاضی
۴۰۶ اخبار کمره
یکی از خلاف قانونی‌های
مخبر السلطنه ۴۰۶
۴۰۷ همراهی عین‌الممالک
۴۰۷ امریکایی‌ها و امتیازات
۴۰۷ عمارت سردار جنگ
۴۰۸ پیشنهاد سیدکاظم یزدی
۴۰۸ وضع شغلی خلخال
حواله و وثوق‌الدوله برای
۴۰۹ خانواده محبوسین کمیته مجازات
۴۰۹ صحبت‌های معتمدالدوله
۴۱۰ جوانی مدیر ایران
رسیدگی به خانواده زندانیان
۴۱۰ کمیته مجازات
چه اعجوبه‌ای است معین‌التجار
۴۱۱ بوشهری
سوءاستفاده به اسم انجمن

- ۴۳۸ صمیمیت بی اساس
- ۴۳۹ عامه، منشاء فساد یا صلاح؟
- ۴۴۰ عریضه سایر محبوسین
- ۴۴۰ دلجویی و بستادهل
- ۴۴۱ ناهار زایدالمعمول
- پیشروی های قشون عثمانی در
- ۴۴۱ آذربایجان
- ۴۴۲ روح و اراده واقعی تشکیلیون
- ۴۴۳ فجایع انگلیسی ها در رشت
- یوم به دارزدن رشیدالسلطان و
- ۴۴۴ حسین خان الله
- ۴۴۴ عاقبت به خیری حسین خان الله
- ۴۴۵ نطق پرشور رشیدالسلطان
- ۴۴۵ اختلاف نظر در میزان پاداش
- ۴۴۶ زیارت بزرگان
- ۴۴۶ تبسم های روح پرور
- ۴۴۷ ناشی خانه مرات الملک
- ۴۴۷ عرض حال بینش
- ۴۴۷ خواب خلخالی
- ترضی از سزی با فعالیت
- ۴۴۸ موکریک
- ۴۴۹ اصرار برای گرفتن قوا صمیمیت از من
- ۴۴۹ دستورالعمل سنای کردن تشکیلیون
- ۴۵۰ مداخل جدید از والدیه
- ۴۵۰ ظن بی جهت به خیانت فتح الدوله
- قضیه دستگیر شدن عبدالله
- بیک افندی به مأموریت فتح الدوله
- ۴۵۱ پسر مفتاح الدوله
- ۴۵۱ بخوانید که خواندنی است
- ۴۵۲ پرسش هایی از نصرت الدوله
- ۴۵۲ چه چیزها که نمی دانستم
- فکر در اتاق انتظار رئیس الوزرا
- ۴۵۳ وثوق الدوله
- ۴۲۵ رسید پول و وثوق الدوله
- حکایت وصایت حاج شیخ مرتضی از
- نیرالدوله و بیست هزار تومان دادن
- ۴۲۶ امام خویی و وصایت خودش
- ۴۲۷ چشم بندی برای حفظ بی طرفی ایران
- اولیای امور؛ دشمن دانا یا دوست
- ۴۲۷ نادان؟!
- صدمه و دوستی خاله خرسه کمیته به
- شتم الدوله یا قلب و خیانت به او
- مات انتصاب به معاونت
- ۴۳۰ حکمت کرباساه
- مناقشه پید مصطفی خان و
- ۴۳۱ مشار الملک
- حاتم بخشی حکیم الملک از
- ۴۳۱ مال دولت
- ۴۳۲ بدبینی زمر
- ۴۳۱ تبادل کمیته ها
- صحبت های آقا شیخ احمد از جنگلی
- ۴۳۳ و از وثوق الدوله و غیره
- درباره قرارداد انگلیسی ها و
- جنگلی ها
- ۴۳۳ مأموریت مجله از طرف جنگل به
- مازندران
- ۴۳۴ بینش در لواسانات
- ۴۳۴ خلخالی بر سر دوراهی
- ۴۳۵ اظهار صمیمیت میرزا علی اکبر
- ساعت ساز
- ۴۳۶ کتک خوردن حاج ابراهیم نانوا
- ۴۳۷ کابینه مطیع
- عزل امیر مقخم و سردار جنگ از
- ۴۳۷ حکومت های اصفهان و یزد
- گرفتاری جدیدم در دام تشکیلیون
- ۴۳۸ به دانه شدن آقای خلخالی

۴۷۰	آقایان همه حاضر	جلسه به ادامه تشکیلون در
۴۷۰	بعد از تعارف	خانه من
	با دمکرات‌های جدید نمی‌توانم کار	بیانات شیرین ملک الشعراء
۴۷۰	کنم	هدف از ایجاد کلمه ضدتشکیل و
۴۷۲	تظلم از تعدیات ژاندارمری کمره	سوء استفاده‌های پیرامونی
	پاسخ وزارت داخله به شکایت	نظر ملک الشعراء
۴۷۲	خمینی‌ها	سعه صدر تشکیلاتی تنکابنی
۴۷۳	آخرین سخنان رشید السلطان	خودر پس افتادن حزب دموکرات
۴۷۳	ملاقات قاضی و عمادالکتاب	خدا می‌های از تحولات پیشین
۴۷۴	تحریر از این اوضاع ناگوار	وضع وجه عملی امر
	مأموریت حاج آقای شیرازی از	ابرز همراهی، فقا
۴۷۴	طرف و ثوق الدوله به رشت	فقط دموکرات‌های قیام
	تشکیلات سری، سرپوش	نگران حال حسین بن عبدی‌های
۴۷۵	رویگردانی مردم	کمیته مجازات
	توسل و ثوق الدوله به انگلیسی‌ها	سوسیال‌شدن شاهزاده و نسیم‌الملک
	برای محصول خودش که جنگلی‌ها	دلتنگی دعوت نشده‌ها
۴۷۶	برده‌اند	در منزل نصیرالدوله
	دوستگی انگلیسی‌ها و احتمال	مشکلات خانواده مساوات
۴۷۶	ترمیم کابینه	مجلس فاتحه دکتر اسماعیل خان
۴۷۷	احمد اس کسالت	تکذیب تشکیلات خصوصی
	دختر بدین جدید کابینه و	یوم دعوت معتبرین مملکت برای
۴۷۸	دودستان انگلیسی‌ها	ترتیب نان
۴۷۹	استخدام او، یک رواید عامه	جهت و کیفیت گرفتاری مازور
	کمبود نان در غیر فارس	محمودخان به جهت پول
۴۷۹	محصول	رشید السلطان
۴۷۹	ترورسم دولتی	جانشین بلافضل محمدعلی شاه
۴۸۰	تمام دروغ می‌گویند	نقل و انتقال عبیدالله بیگ
۴۸۱	صحت اعدام‌های دیگر	دست من و حلقه‌های تشکیل
۴۸۱	تله حکومتی برای معتمدالدوله	تقلب عیال ارفع الممالک
۴۸۱	و نیز لوس ایران	شایعه دستگیری مستوفی الممالک
۴۸۲	سابقه اختلافات امیر ارفع و پدرش	تکذیب شایعه اعدام ابوالفتح‌زاده و
	کشف سندسازی امیر ارفع به	منشی‌زاده
۴۸۳	مساعدت فتح السلطنه و حمایت	مجمع دسایس و وساوس

فهرست مطالب بیست و یک

فکر صمصام در توسل بینش ۴۹۵	ممتازالدوله و مستشارالدوله و
تقاضای شهریه برای عیالات	صمصام السلطنه ۴۸۳
محبوسین از صمصام و سکوت او ۴۹۵	کارکرد محدود پول‌های امیرارفع ۴۸۴
حظ صمصام از الغای	کشف قلب ۴۸۴
کاپیتولاسیون ۴۹۶	این است حال و روز ما ۴۸۵
تقاضای القای محبت فهیم‌الدوله و	توسل صمصام به رمال در عزل که
مصدق السلطنه ۴۹۶	چه کند ۴۸۵
شایعات شهر ۴۹۷	افتراء جدید اقتدار ۴۸۶
نوشته جعلی مصدق السلطنه برای	یا تا کاری ایرانی و یا تسلیم به
مؤید همایون ۴۹۷	اجازت ۴۸۶
ضبط تریاک میرزا باقرخان ۴۹۸	آ مادر لله و تسل به من ۴۸۷
شایعه بازگشت احسان‌الله‌خان به	قساوت و سقاوت و رق‌الطاقة آقایان
تهران ۴۹۸	سران ۴۸۸
خریداری یک مقرّ جدید برای	ترس از قوز بالام غور ۴۸۸
قشون انگلیس ۴۹۹	جهت فراوانی نان ۴۸۹
	تحبیبی از انگلیسی‌ها ۴۹۰
	حکمت در دسرافرین ۴۹۰
ذیحجه ۱۳۳۶ / شهریور ۱۲۹۷	تفصیل دفن لله و رشیدالسلطان ۴۹۱
جریمه قاچاق یک مثنقال تریاک ۴۹۹	اردوی دولتی ۴۹۲
شلوغی عجیب نانوائی‌ها ۵۰۰	دست‌کشیدن مدرّس از مساعدت با
صابت مصدق السلطنه درخصوص	وثوق‌الدوله ۴۹۲
الصلاح فهیم‌الدوله ۵۰۰	شعبده دولتیان، استنطاق و محاکمه
اخبار رشید ۵۰۱	رئیس کمیسری نمره ۴ برای بردن ۴۹۲
شرافت محاکمه ۵۰۱	عبیدالله بیک سفیر عثمانی ۴۹۲
شایعه داروین با مجازوبری و	امتناع از حکمت ۴۹۳
خیابانی در تبریز ۵۰۱	شکراب‌شدن میانه خلخالی و
حمله ژاندارم‌ها به آقا ۵۰۱	تشکیلیون ۴۹۳
پسندیده و توقیف او در ۵۰۲	ضدیت نجات و تدین با دخول
توقیف املاک سردار حشمت در	بینش در کار ۴۹۳
کمره ۵۰۲	مالیه کاشان به شرط وکالت
ابلاغ شکایت آقامرتضی پسندیده به	جلیل‌الملک ۴۹۴
وزارت داخله ۵۰۳	عثمانی‌ها و تشکیلیون ۴۹۴
خبر تبریزاران ابوالفتح‌زاده و	امیرنظام در حبس انگلیسی‌ها ۴۹۴
منشی‌زاده در راه مشهد ۵۰۳	

شایعه دارزدن سلیمان میرزا توسط	تیرباران طفل چهارده ساله در
انگلیسی‌ها	همدان توسط انگلیسی‌ها
۵۰۴	۵۱۳
اوضاع استرآباد	وضع رقت‌بار خانواده مساوات
۵۰۴	۵۱۳
تأیید خبر تیرباران شدن ابو الفتح‌زاده	آقاموسی پسر آقاریحان‌الله و
و منشی‌زاده	صحبت با او
۵۰۴	۵۱۴
یک مشت خبر صدق	تحریک اراذل موجه، اراذل موجه
۵۰۴	۵۱۴
امتناع خمینی‌ها از همکاری با	را
انگلیسی‌ها	ضدیت موضوعی و نه شخصی
۵۰۵	۵۱۵
انگلیسی‌ها و گندم کمره	مخالفت نه‌چندان جدی بختیاری‌ها
۵۰۵	۵۱۶
درخواست مجازات ژاندارم‌های	تأثیر پیشروی عثمانی‌ها در سایر
خمین	نقاط
۵۰۵	۵۱۶
توقیف میر محمد علی خان ثبت	رقابت بین وثوق‌الدوله و
اسناد	نصرت‌الدوله
۵۰۶	۵۱۷
ناله و نفرین مردم ارسبی‌نالی	نان را از ما گرفته، شاه را
۵۰۶	۵۱۷
نامه مدرس و پاسخ وثوق‌الدوله	می‌خواهند بیرند
۵۰۶	۵۱۷
ضعف نفس بینش	رکن الممالک و حکومت کمره
۵۰۷	۵۱۸
دمکرات شدن صمصام درحوزه	شالانانی میر سید مصطفی‌خان
۵۰۷	۵۱۸
مترجم السلطنه و قرزدن ساعت‌ساز،	مالیات انگور
او را	ورود کاکس و احتمال تغییر
۵۰۷	۵۱۹
خبرهای دکان خلخالی	کابله
۵۰۸	۵۲۰
پیگیری تنبیه ژاندارمری کمره	در بستن وی
۵۰۸	۵۲۰
توصیه نشود بهتر است	وضع محبوسین نظمیه
۵۰۹	۵۲۱
شراکت ملکی	وضع مقصرین پلیسی
۵۰۹	۵۲۳
بازداشتی‌های اغتشاش‌ناز	تلاش حتی الامکان برای کستن از
۵۱۰	۵۲۳
برای تأمین معاش عیالات و اطفال	اندهو محبوسین
محبوسین	نگرانی مادر حسین‌خان از
۵۱۰	۵۲۳
شوستر و استوکس	بیرق‌های سرخ
۵۱۱	۵۲۴
شکایت ملک‌زاده از بی‌وفایی	دارالتعلیف شدن ادارات دولتی
۵۱۱	۵۲۵
رفقای دمکرات	شفاعت موسی‌خان خیاط
۵۱۱	۵۲۵
یک پرده نمایش بندبازی	گفتگو با سردار جنگ برای معاش
۵۱۲	۵۲۵
عدل‌الملک	عیالات محبوسین
۵۱۲	۵۲۵
حسین‌خان حمال و حکایت	اوضاع همدان
۵۱۳	۵۲۶
قره‌سورانی او در کرمانشاه	دادن نظمیه عراق به حبیب‌المجاهدین
۵۱۳	۵۲۸

دبیرالملک و محبت برای حقوق	۵۲۸	دردسره‌های تهیه‌کنند	۵۲۸
مجلس کلوب و مساوات	۵۵۱	نه فقط اولیای ظالم...	۵۲۹
پاسخ و وثوق الدوله به نامه خلخال	۵۵۳	عزل و نصب‌های جدید در مالیه	۵۳۰
زنجان و خبر اشغال عثمانی‌ها	۵۵۳	پیشروی عثمانی‌ها تا نزدیک	
توصیه خلخال و خنده قلبی من	۵۵۳	زنجان	۵۳۱
شایعه کشته شدن محمد ولی خان		آه از اینها وقت	۵۳۳
سپهسالار	۵۵۴	اندر احوال دبیرالملک	۵۳۳
مشاور و خیال ریاست وزرایی	۵۵۴	اسرار خیانتی	۵۳۵
نصیرالدوله و استرحام اجزاء وزارتخانه		وقت و غن و حیوانات	۵۳۶
علوم و قبول استغفای غلط	۵۵۴	سیاست نازک ایران	۵۳۶
تدین و صدرداری در خانه		خائن درست	۵۳۷
نصرت الدوله	۵۵۵	هزینه آشپزخانه	۵۳۷
اقتدارالدوله و بدگفتن به من نزد		پیغام به وثوق الدوله	
ابوالحسن خان	۵۵۶	عیالات محبوسین	۵۳۸
نوبت غلبه خارجه	۵۵۶	پاسخ و وثوق الدوله	۵۳۸
لاهورتی و بی شرفی و رذالت	۵۵۷	معارف و اوقاف	۵۳۹
مجلس ختم بی‌رونی در خانه		خلخال و حقوق دولت	۵۴۰
ابوالفتح زاده	۵۵۸	رئیس الوزرا که نان را نمی تواند	
بی التفاتی وزراء	۵۵۹	درست کند...	۵۴۱
وضعیت متزلزل مشاور الممالک	۵۶۰	از سیزده نوحس بوی سعادت	
جمع تروریست‌ها	۵۶۱	می شنوم	۵۴۲
خلو و وثوق الدوله و مدرس	۵۶۲	ترتیب دستگیری سفیر عثمانی	۵۴۳
ترور صالح	۵۶۳	شنیده‌ها	۵۴۳
وثوق الدوله و مراقبان با مایندگان		شکست مالی	۵۴۴
کمیسیون مختلط	۵۶۴	اتباع دخل	۵۴۵
بینش و اختفا در شهر	۵۶۵	آسیاب بخار	۵۴۶
فتوحات انگلیس در عثمانی	۵۶۶	گرفتار شدن مشکو الممالک	۵۴۶
حرکت دلالان و حشرات سیاست به		وثوق الدوله، امیرحشمت و	
خانه وزرا به اتفاق و محرمانه ازهم	۵۶۶	حکومت سمنان	۵۴۸
عین الدوله و انصراف شاه از جنگ		ملاقات عماد و ارداقی در زندان	۵۴۹
با عثمانی	۵۶۷	وزرا و معاش عیالات محبوسین	۵۴۹
حکومت کردستان	۵۶۸	وزرا و محکمه سبزی	۵۵۰
فعلگی انگلیسی‌ها	۵۶۸	حکم ارزاق	۵۵۱

تعلیل مدارس به واسطه	حقوق وکلا و اکتشاف که از
ناخوشی عموم ۵۸۲	هفده ماه پیش دمکرات‌ها یکی با
فتح السلطنه و جلب شدن به	و ثوق الدوله بودند ۵۶۹
نظمیه ۵۸۴	باد و ناخوش شدن مردم در طهران
ناصرالملک و کاغذسازی	و قزوین و غیره ۵۷۰
دروغ‌گویی ارباب کیخسرو	بخوانید و عبرت بگیرید. و ثوق الدوله
و ثوق الدوله، دو ضربه مداخل از	و اعمالش ۵۷۰
عمل ارباب جمشید ۵۸۶	آقا میرزا محسن نجم‌آبادی و خیال
ناهار منزل ملک‌زاده	و کات از ناهوند ۵۷۰
همراهی تا میانه راه ۵۸۷	و ثوق الدوله و حیرت ما در کارش ۵۷۱
خون دل یا تحصیل گندم	و جان شیخ عابدین در بازار و
نمایش دادن روتر غلبه انگلیسی‌ها	هیچ نجم‌آبادی را شمار در نهند و
را به بلغار و ضعف متحدین ۵۸۹	الوار ۵۷۱
ناهار مهمان مصدق السلطنه	حقوق مجلس زن‌های و مساوات و
سفیر انگلیس و اظهار تخلیه ایران	ده خرقانی ۵۷۲
از قشون انگلیس ۵۹۰	نعش صدرالعلما و حسن‌نامه ۵۷۲
صارم الدوله و علت آمدن به طهران	فتح السلطنه و تهیه کمیته شدن بروسید
و ثوق الدوله و بوسیدن دست زنان	ثبت اسناد و میرزا باقر بیوتات ۵۷۲
اروپایی ۵۹۱	ملاقات آقا محمد قاسم مدیر
عقد مصدق درباره تشکیلات ۵۹۱	شاه و مهمان رفتن به خانه
نوع و نام الدوله ۵۹۱	نصرت الدوله ۵۷۶
ناخوشی و سلام مردم	افتادن بچه‌های مدرسه از باد ۵۷۶
و ثوق الدوله و کوفت نمودن در انبار	وضع حال من و روزگار نامراد ۵۷۷
برای جواز خدمت ۵۹۲	هرچه باداباد ۵۷۸
ناهار مهمان منساراله ۵۹۴	نان و یک تیر و ده نشان به ناز و
کباد رئیس الوزرای	بازوی و ثوق الدوله ۵۷۹
کابینه ارزاق ۵۹۶	خلوتی خیابان‌ها ۵۷۹
جمع و تفریق اداری ۵۹۷	ناخوشی آب، بنت و روح القدس ۵۸۰
عرایض نامیوس ۵۹۷	ملاقات از محتشم السلطنه ۵۸۱
کنترل نهایی ۵۹۹	قحطی در تبریز ۵۸۱
اوج دموکراسی و مساوات	شکایت خلخال از روزگار ۵۸۲
تعیین نرخ برای هندوانه و	دستخط آزادی بینش و کمال السلطان
نایاب شدن آن ۶۰۴	از مقام ربوبیت و ثوق الدوله ۵۸۲

فهرست مطالب بیست و پنج

- | | |
|---|-----------------------------------|
| ۶۰۸..... ملاقات با عین الدوله | تقاضای فتح السلطنه از من برای |
| ۶۰۹..... صارم الدوله و صحبت اصفهان | ۶۰۵..... وساطت او نزد نصرت الدوله |
| ۶۱۰..... استخلاص برزو از نظمیه | درخواست از وزارت داخله برای |
| ملاقات آقا شیخ ابوطالب با | ۶۰۶..... استمالت از علمای کمره |
| ۶۱۰..... نصرت الدوله | ۶۰۷..... دموکراسی انفرادی |
| ۶۱۱..... مشاور الممالک و مهمانی از سفیر | شهرت متارکه جنگ عثمانی با |
| ۶۱۲..... دادن دستورات لازم به متین الدوله | ۶۰۷..... متفقین |

مقدمه

سایه در خاطرات آیت‌الله پسندیده چاپ نمی‌شد، سید محمد کمره‌ای و خاطراتش نیز در دل تاریخ گم می‌شدند و کسی این مرد بزرگ و وطن‌خواه را نمی‌شناخت. مری که در سر، شور آزادی داشت و در دل عشق استقلال. ماجرا از هنگامی آغاز شد که در خاطرات آیت‌الله سید مرتضی پسندیده (برادر امام خمینی) را برای تصدیق، تنظیم و ویراستاری در دست گرفته و آن را برای چاپ آماده می‌کردم.^۱ همان موقع و در خلال انجام آن کار برای نخستین بار به نام سید محمد کمره‌ای برخورد کردم. آیت‌الله پسندیده درباره او گفته بود: «سید محمد کمره‌ای از رجال صدر مشروطه و برواردی در امور سیاسی بود... پیشنهاد کردند که ایشان به وکالت مجلس انتخاب شود ولی ایشان به دلیل اینکه خودش را مافوق این مراتب می‌دانست زیر بار نرفت.»^۲ خاطرات آیت‌الله پسندیده از پیشنهاد پست ریاست‌الوزاری به کمره‌ای قبل از رویانای رضاخان و نیز علاقمندی رضاشاه به مشاوره با او نیز سخن به میان آمده بود. خواندن این مطالب کافی بود تا سؤالهای متعددی درباره این رجُل سیاسی که عمناً داماد عمه آقای پسندیده و امام خمینی نیز بوده، در ذهنم شکل بگیرد. سید محمد کمره‌ای که بود؟ و در حوادث مشروطه و پس از آن چه نقشی داشت؟ در دوره رضاشاه چه کرد و سرانجام و فرجام کارش چه شد؟ و چرا کمتر نامی از او در لابلای متون تاریخی دیده می‌شود؟

این پرسش‌ها مرا واداشت تا در پی کشف شخصیت مجهول کمره‌ای بروم و

۱. این خاطرات در سال ۱۳۷۴ از سوی حوزه هنری سازمان تبلیغات تحت عنوان خاطرات آیت‌الله پسندیده، (به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا) منتشر شد.

ابعاد و زوایای زندگی این همشهری به تاریخ پیوسته‌ام را شناسایی کنم. نتیجه کار در ابتدا رضایتبخش نبود و در کمتر کتاب و منبع منتشرشده‌ای نشانی از او یافت می‌شد. اطلاعات اندک و قطره‌ای بود، اما پس از مدتی همان قطره‌ها که در کنار یکدیگر قرار گرفتند، ابعادی از چهره این رجل گمنام را آشکار ساختند. رضازاده ملک نام کمره‌ای را در کنار افرادی همچون سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی، ملک‌المتکلمین، جهانگیرخان صوراسرافیل، حیدرخان عمو اوغلی، سلیمان میرزا اسکندری، میرزا سلیمان خان میکده، سید محمد رضا مساوات، علی اکبر هخدا، یحیی میرزا اسکندری و میرزا قاسم خان صوراسرافیل به عنوان بنیانگذاران فرقه اجتماعیون عامیون آورده بود.^۱

اسماعیل رائین به نقل از میرزا محسن نجم‌آبادی، کمره‌ای و جمعی دیگر، از جمله ابوالفتح زاده، میرزا سلیمان خان میکده، حکیم‌الممالک، سید حسن بی‌زاد و...^۱ به عنوان اعضای تشکیلات مخفی موسوم به کمیته بین‌الطلوعین معرفی کرده بود.^۲ این کمیته سرچشمه اصلی حزب دمکرات بود که به طور طبیعی کمره‌ای نیز در شمار اعضای اصلی آن قرار گرفت.

نویسنده‌ای دیگر از سازمان «فجر» سوسیال دمکرات تهران که در سال ۱۳۲۵ ق برای مبارزه با استبداد و مسخ کردن انقلابیون شکل گرفت یاد کرده و نام کمره‌ای، سید جمال‌الدین واعظ، ملک‌المتکلمین، حیدرخان عمو اوغلی، صادق طاهباز... را در ردیف بنیانگذاران آن ذکر کرده بود.^۳

عبدالله مستوفی نوشته بود: «با ورود آذینخواهان به تهران بساط استبداد صغیر جمع و به جای آن مشروطه کبیر پهن شد. آزادخواهان و بخصوص دمکراتهای آن روز، دیوان محاسباتی از عمیدالحکد و سیداباسم خلخالی و سید محمد کمره‌ای و مشیر اکرم و از این قماش تشکیل دادند».^۴

۱. رضازاده ملک، رحیم، چکیده انقلاب حیدرخان عمو اوغلی، انتشارات دنیا، تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۳.

۲. رائین، اسماعیل، حیدرخان عمو اوغلی، جاویدان، تهران، ۱۳۵۵، ص ۴۸.

۳. وهرام، غلامرضا، نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی عصر قاجار، انتشارات معین، تهران، ۱۳۶۷، ص ۴۱۴.

۴. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من با تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، ج ۲، نشر زوار، تهران، ۱۳۴۳، ص ۲۹۸.

در منابع دیگر به عضویت کمره‌ای در سازمان اتحاد اسلام، مهاجرت به همراه سایر ملیون از تهران به هنگام جنگ جهانی اول و... اشاره شده بود: در این میان دو سر فصل را در زندگی کمره‌ای برجسته‌تر از سایر فصول یافتیم، یکی جلوگیری از تشکیل مجدد حزب دمکرات به هنگامی که اعضای اصلی آن در مهاجرت به سر می‌بردند و دیگری در مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ م. در این مقطع بود که دمکراتها به دو دسته تقسیم شدند یکی تشکیلی‌ها که خواهان تشکیل مجدد حزب بودند و دیگر ضد تشکیلی‌ها که سازماندهی دوباره حزب را با توجه به نبودن اعضای عمده و اصلی آن نظیر سلیمان میرزا، تقی‌زاده، مساوات‌کنان، کلوب و... به صلاح نمی‌دانستند و کمره‌ای رهبر ضد تشکیلی‌ها بود.

نوشتار «سید» پس از انقلاب اکتبر روسیه، هجده تن از دمکراتها که در تهران مانده و از مهاجرت به ایران برگشته بودند (از جمله ملک‌الشعراى بهار) تصمیم گرفتند که حزب در هم پاشیده خود را احیا کنند. کمیته مرکزی حزب احیا شده دمکراتها دولت وثوق‌الدوله قرار گذاشته بود که انتخابات مجلس چهارم را زودتر آغاز کند. اما انشأاب حزبی و تشکیل گروه و دسته جدیدی به نام تشکیلات دمکراتهای ضد تشکیلی به وسیله سید محمد کمره‌ای و یارانش که همگی از اعضای سابق حزب بودند نقشه حزب دمکرات را بر هم زد.^۱

در همین ایام کمره‌ای به عنوان سردبینه سالفین قرار داد، به دستور وثوق‌الدوله بازداشت و راهی زندان شد.^۲ اوراق دیگری این سید نیز که به تدریج در مقابلم گشوده می‌شد جالب توجه بود. در خاطرات مخبرالسلطنه خواندم که کمره‌ای به دنبال قتل شیخ محمد خیابانی، در همین حالت دولت مشیرالدوله، در خانه‌اش برای او مجلس ترحیم گرفت^۳ که البته با حالت پلیس، ناتمام ماند.

۱. شمیم، علی‌اصغر، ایران و دوره سلطنت قاجار، انتشارات مدبر، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۵۷۶.

۲. رشیدی، شمس‌الدین، خاطرات سیاسی و تاریخی، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۹۸.

۳. هدایت، مهدیقلی‌خان (مخبرالسلطنه)، طلوع مشروطیت، جام، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۲۷.

در خاطرات آیت‌الله پسندیده نیز خوانده بودم که در ماههای آخر سال ۱۲۹۹ ش سفیر انگلیس پس از آن که کمره‌ای دعوت وی را برای رفتن به سفارت و ملاقات با سفیر رد کرد، خود شخصاً به خانه کمره‌ای رفت و به او گفت مطابق آنچه اطلاع یافته‌ام شما بسیار با درایت هستید و مردم به شما خیلی حُسن ظن دارند. ما هم به شما حُسن ظن داریم و مایلیم شما بپذیرید که رئیس‌الوزرا بشوید. و کمره‌ای جواب داده بود: «من موافقم به یک شرط و آن این است که شما در مملکت ما دخالت نکنید.» سفیر وقتی این سخن را شنید منزل را ترک کرد و رفت.^۱

در خلال تحقیق پیرامون شخصیت کمره‌ای، به اسناد لژ بیداری ایران که از خانه حمایتی اروپایی به دست آمده بود در حوزه هنری برخورد کردم. در میان آن اسناد بودند چند صفحه‌ای سید محمد کمره‌ای نیز دیده می‌شد. براساس اطلاعات آن پرفه، کمره‌ای در تاریخ بیستم ماه صفر ۱۳۲۸ ق «از کارخانه محترم ماسونری» دعا کرده بود: «چنانچه لایقم به خدمتگذاری دانند از پذیرفتن دریغ نفرمایند.» که پس از تصدیق صلاحیت وی توسط پنج تن از اعضای قدیمی، عضویت‌اش در جلسه سب‌انتم صفر ۱۳۲۹ به تأیید لژ رسیده بود.^۲

منابع دیگر، جسته‌گریخته، خبرهای، از معیت و فعالیت‌های وی در دوره رضاشاه داده‌اند. براین اساس رضاخان در ابتداء در خویش به همکاری و مشورت گرفتن از کمره‌ای علاقمند بوده است. وی خیلی زود در شمار مخالفان جدی رضاشاه در آمده و حتی اقدام به تشکیک غرضی معارض به نام ملیون می‌کند. به نوشته آیت‌الله پسندیده، رضاخان در زمان ریاست‌الوزرای، از کمره‌ای و چند تن از ملیون دعوت می‌کند تا برای مشورت به منزلش بروند، کمره‌ای دعوت جلسه اول را می‌پذیرد و می‌رود. در آنجا به رضاخان می‌گوید هر

۱. خاطرات آیت‌الله پسندیده، پیشین، صص ۴۱-۴۰.

۲. مرادی‌نیا، محمدجواد، خمین در گذر تاریخ، نورالسجاد، قم، ۱۳۸۰، ص ۱۸۹. همچنین بنگرید به حمیدرضا شاه‌آبادی، تاریخ آغازین فراماسونری در ایران، تهران، حوزه هنری، ج ۱، ۱۳۷۸، ص ۲۵۷، ج ۲، ۱۳۸۰، صص ۲۸، ۳۹۰ و ۴۶۱.

۳. همان، ص ۱۹۰.

وقت به مشورت نیاز داشتید به منزل ما بیایید. رضاخان سردار سپه از این حرف بدش آمده و روابطشان از آن پس قطع می‌شود.^۱

ملکه تاج‌الملوک همسر رضاشاه در خاطرات خویش به نوعی گفته بالا را تأیید کرده‌است. به نوشته وی یکی از دلایل علاقمندی رضاخان به دکتر محمد مصدق وزیر مالیه، معاشر و مصاحب بودن وی با ملیونی نظیر سیدابوالحسن خرقانی و آقا سید محمد کمره‌ای بود «به همین لحاظ رضا هم برای وزیر مالیه بیش از دیگران اهمیت قائل بود».^۲

تغییر روش سیاسی رضاشاه و بروز ویژگی‌های یک دیکتاتور از وی، کمره‌ای را در جبهه مخالف وی قرار داد، به صورتی که اقدام به تشکیل حزب مخفی به نام مهر و ناز کرد. سید جعفر پیشه‌وری در یادداشتهای خود نوشته است که یک روز سید ظفر سنجابی (عضو حزب ملیون) به منزل آمده بدون مقدمه و تعارف گفت: «آقای سید... دی همه ماها که اسم آزادیخواهی و میهن‌پرستی بر روی خود گذاشته‌ایم... از ترس مال و مقام و جان خود، روز اول جلو یارو [رضاشاه] را نگرفتند... الا می‌گویم آقایان هنوز کار از کار نگذاشته بیایید جلو بیفتید، از ترس صدایان... رنم آید، گوشه‌ایشان را محکم می‌گیرند که حرفهای ما را نشنوند... به شما بگویم ایران فقط یک مرد درست و حسابی دارد. گفتم: می‌دانم، آن هم رئیس حزب ملیون شما، کمره‌ای است. گفت: من افتخار دارم و شما هم راست گفتید».^۳

تشکیلات ملیون که رهبر آن کمره‌ای بود و افرادی مانند حسین خان سالار ظفر سنجابی و فرخی یزدی را در عضویت داشت در سال ۱۳۰۹ ش شناسایی شد و از هم پاشید. این حزب که دکتر محمد مصدق نیز به انضمام داشت تصمیم گرفت که به مناسبت انتخابات آن سال بیانیه مفصلی درست به شکل شبنامه در تمام تهران و ایران پخش نماید. «سر همین موضوع» شبنامه عده

۱. خاطرات آیت الله پسندیده، پیشین، ص ۴۲.

۲. خاطرات ملکه پهلوی، تاج‌الملوک پهلوی، بنیاد تاریخ شفاهی معاصر ایران، تهران، به آفرین، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳.

۳. احزاب سیاسی و انجمنهای سری در کرمانشاه، ج ۱، نشر شها، تهران، صص ۲۶۳-۲۶۱، به نقل از یادداشتهای زندان، جعفر پیشه‌وری، صص ۱۳۱-۱۲۸.

زیادی دستگیر شدند، فرخی هم از فرصت استفاده کرده به روسیه و از آن جا هم به آلمان فرار نمود. حتی خود آقای کمره‌ای مرحوم را نیز طوری که خودش نقل می‌کرد برای چند هفته به شهربانی کشیده بودند؛ می‌گفت اصرار داشتند محل سالار ظفر را از من در بیاورند و نیز می‌گفتند سالار ظفر برای چه نزد شما رفت و آمد می‌کرده است؟ جواب دادم که اولاً من مأمور شهربانی نیستم که جای اشخاص مظنون را پیدا کرده به شما اطلاع بدهم...»^۱

پیشه‌وری همچنین دربارهٔ او نوشته است «این شخص بزرگوار تمام نفوذ و شهرت و توانایی خود را در اختیار حزب گذاشته بود. افراد بدون انتخاب رسمی شخص او را به رهبری پذیرفته، با کمال افتخار از نظراتش پیروی می‌کردند. قبال رهبری در رفع بر قیادت ایشان برانزده و مناسب بود. به خصوص وضعیت کمره‌ای را آن روز هیچ کس نمی‌توانست داشته باشد. نظر به سابقه ممتد آزادیخواهی و پایداری، در خانه‌اش به روی تمام طبقات اهالی پایتخت باز بود. در اتاق پذیرایی سوچ کس از هر کس می‌توانست پذیرایی کند. آن روز از وکلا و تجار، از بزرگ و کوچک، از نمای دولتی گرفته تا تجار و طبقات کسبه مختلف بازار بدون تشریفاتی خاصی اندمیش رسیده و بدون ملاحظه و نگرانی، دردهای درونی خود را با ایشان در میان گذاشته، برای رفع مشکلات، امور شخصی و اجتماعی خود با ایشان مشورت کرده مساعدت و راهنمایی می‌خواستند. البته هر کس به فراخور حال خود جواب شنیده، از اندرزهای پدرانه ایشان استفاده می‌نمود.»^۲

آگاهی از مطالبی که ذکر آن گذشت، تا حدود زیادی پاره از چهره گمنام سید محمد کمره‌ای بر می‌داشت ولی باز هم نمی‌توانست صرفاً راقعی کارنامه و زمانهٔ او باشد.

در جستجوی پاسخ همین سؤالات بودم که به راهنمایی شخصی خبرخواه از زنده‌بودن نوۀ کمره‌ای و نشانی‌اش آگاه شده و خرسند و مشعوف به خانه‌اش شتافتم.

۱. همان، ص ۲۷۱.

۲. یادداشت‌های زندان، جعفر پیشه‌وری، صص ۱۲۳-۱۲۲.

عصر یکی از روزهای گرم آخر اردیبهشت ۱۳۷۹ زنگ در چوبی خانه قدیمی خانم فخرالسادات کمره‌ای^۱ را در کوچه‌ای بن‌بست از کوچه پس کوچه‌های حاشیه خیابان ری به صدا در آوردم. توسط یکی از پسران بزرگ وی به اتافی که چند پله از سطح حیاط پردرخت خانه بالاتر بود راهنمایی شدم. در آن جا پس از ورود حاج خانم کمره‌ای و همسر سپید موی و موقرش، بلافاصله بر سر اصل مطلب رفته و سؤالات خود را مطرح کردم. نوۀ سید که می‌شد ویژگی‌هایی از پدر بزرگ را در خلال سخن گفتنش تشخیص داد در کمال متانت و بزرگواری همه آنها را پاسخ گفت و در پایان خبر از وجود تعدادی دفترچه و سند و مدرک از مرحوم سید محمد کمره‌ای داد. وقتی به درخواست من آنها را آورد، در نگاه او بر ارزشمندی آنها و نیاز جامعه به آگاهی از این اطلاعات تاریخی پی بردم. اسم مره‌ای آنها را در اختیارم گذاشت و اجازه داد تا به منظور کمک به درک حقایق اریخی و رشد و اعتلای آرمانها و ارزشهای ملت ایران، از آن بهره‌برداری شود. موضوعی که مطالعه آن، بالاخره بخش عمده‌ی چهره مجهول کمره‌ای را بر من معلوم کرد.

دوباره این مجموعه

مجموعه‌ای که توسط نوۀ سید محمد کمره‌ای در این یار گذاشته شد عبارت بود از:

۱. بیست و نه جلد دفتر یادداشت روزانه که اولین آن، تاریخ «از دهم جمادی‌الثانی تا ۲۸ رجب ۱۳۳۵ ق» و آخرین آن به شما، سی و نه و عبارت «تاریخچه از هشتم ذیحجه لغایت ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ مطابق با ۳۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ ق» و ۱۶ قوس ۱۲۹۹ [ش] را بر روی خود دارد. ده جلد از دفترهای یادداشت (از شماره ۲ تا ۱۱)^۲ در میان دفترها نبود که به گفته خانم کمره‌ای به همراه استاد و مدارک ارزشمند دیگر در چند مرحله در دهه بیست به سرقت رفته‌اند. از دفاتر موجود تعدادی ۲۸ صفحه و تعدادی دیگر ۱۰۶ برگ داشته و تمام آنها با قلم و

۱. متولد ۱۳۱۰ ش فرزند سیداحمد کمره‌ای.

۲. یعنی از تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۳۵ تا ۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۶ ق.

مرکب نوشته شده است. کمره‌ای در این یادداشتها که به صورت روزانه ثبت نموده و بعدها هیچ گونه دخل و تصرفی در آنها نکرده است، تمام فعالیت‌های روزانه خود، گفته‌ها، شنیده‌ها و احساسات خویش و سایر رخداد‌های مهم را به رشته تحریر کشیده است. بنابر این مطالعه این یادداشتها که فاصله زمانی حدوداً پنج ساله‌ای (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰ قمری) را در بر می‌گیرد خواننده را دقیقاً به فضای آن روزها و سالها کشانده و با واقعیت حوادث این مقطع تاریخی کشور آشنا می‌سازد. کمره‌ای در بیان حوادث و وقایع انصاف قابل توجهی نشان داده و حتی در ثبت نظرات مخالفان و حرف‌ها و سخنان نیشدار آنان نیز دریغ نکرده است. «جامع نگری» نیز یکی دیگر از ویژگی‌های این یادداشتها است، به صورتی که نویسنده حتی از ثبت خبر چای خوردن روزانه، نوع غذاهای مصرفی برای شام و نام‌های عواید خانوادگی خود و... نیز کوتاهی نکرده.

۲. تعدادی دفتر در آن صورت دخل و خرج روزانه به صورت دقیق ثبت شده است. میزان دقت این حساب و کتابها تا آنجاست که هزینه‌های زیر نیز از قلم نیفتاده است: عیدی به معذرة السلطنة، روزنامه رعد، روزنامه رهنما، نوار گیوه احمد، حمام ننه اسماعیل، قیاز تیس، فقیر، سرقت از حبیب در حرم عبدالعظیم، پول قلب [تقلبی] اعیان به تاراج [زدگان] ارومیه، جریمه در کمیسری نمره ۴، سیرک [رفتن] احمد... در این دفاتر تمامی هزینه‌ها جدا جدا برای هر روز ثبت شده و در پایان یک سال، جمع هزینه سالانه به دست آمده است. در حاشیه صفحات این دفاتر، حوادث مهم و بلا ترجه نیز به صورت کوتاه درج شده‌اند. اهمیت این دفاتر علاوه بر این که آییننامه‌های از جزئیات زندگی یک فرد متوسط ایرانی در نیمه اول قرن سیزدهم قمری را در برابر ما قرار می‌دهد، در این است که جای خالی یادداشت‌های روزانه کمره‌ای را که تا ۱۲۹۹ ش بیشتر در دسترس نیست تا حدودی پر می‌کند و رابطه خواننده با وی را تا روزهای آخر عمرش برقرار نگاه می‌دارد.

۳. علاوه بر دفترهای یادشده، چند دفتر متفرقه نیز موجود است که نوعاً به این مسائل پرداخته است: دفترچه مطالبات و امانات توشقان‌نیل و صورت ارسال مراسلات ۱۳۳۳ ق، صورت مطالبات و محاسبات همشیره و ورثه مرحوم مساوات و غیره، صورت حسابهای متفرقه و صورت حساب مخارج به

هنگام بازداشت پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، اسناد مالی حزب دمکرات در ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ ق، صورت اسامی رفقای دمکراتی طهران و سایر ولایات که در شوال ۱۳۳۸ نوشته شده است، صورت جمع و خرج محصول سنواتی کمره، صورت کلیه املاک ابدیعی و موروئی در کمره و تهران، از میان مندرجات این دفاتر نیز، اطلاعاتی که به نظر می‌رسید برای مطالعه عموم می‌تواند مفید باشد، استخراج و در پایان کتاب درج شده. بدیهی است که چاپ تمامی مطالب این دفاتر موجب حجیم شدن بیش از اندازه کتاب می‌شد و لذا از انجام آن خودداری گردید.

۴. چند برگ سند که هرکدام در خور اهمیت بالایی بوده و در بخش ضmann کتاب غیر درج شده‌اند. این اسناد عبارتند از: نامه بی تاریخ کمره‌ای به «مقام محترم حضرت اشراف‌الدی رئیس‌الوزرا» (رضاخان)، رونوشت اجازه‌نامه لباس روحانیت در سال ۱۱۰۸، نامه تصدیق و جواز پوشیدن لباس روحانیت کمره‌ای در سال ۱۳۱۵ شمسی، رونوشت سؤال‌هایی که حکومت طهران در سال ۱۳۱۴ ش برای صدور اجازه نامه لباس روحانیت از کمره‌ای پرسیده و جوابهای وی و بالاخره جملاتی بی‌عیننامه کمره‌ای.

۵. دو قطعه عکس از سید محمد کمره‌ای که در یکی جوانتر است و در کنار طلبه‌ای جوان نشسته و دیگری با محاسن سپید چهره سالهای پایانی عمر وی را به نمایش گذاشته، به انضمام مجموعه‌ای از دیگر تصاویر نیز آمده است.



بخش اصلی و مهم این کتاب را یادداشتهای روزانه سید محمد کمره‌ای تشکیل داده است و همان‌طور که در صفحات قبل آمد، متأسفانه ده جلد از دفاتر مذکور که در برگیرنده خاطرات مؤلف از تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۳۵ تا هفتم جمادی‌الاول ۱۳۳۶ ق بوده مفقود شده و در اختیار نیست. علاوه بر این به نظر می‌رسد که یادداشتهای دفتر ۳۹ به بعد نیز ادامه داشته و حداقل تا زمان کودتای سوم اسفند و مخفی شدن کمره‌ای را دربر می‌گرفته. در هر صورت این بخش از نوشته‌ها نیز احتمالاً به سرنوشت همان ده جلد قبلی دچار شده‌اند. اما در دفاتر بیست و نه گانه موجود مسائل و مباحث مهم، متنوع و قابل توجهی درج شده که خواننده را بی‌واسطه در فضای ملتهب آن روز ایران قرار می‌دهد. کمره‌ای در

خلال یادداشتهای خود که بعضاً مایه‌هایی از طنز را نیز به همراه دارد اوضاع به شدت نابسامان، آشفته و تیره و تار کشور در خلال سالهای جنگ جهانی اول و پس از آن، تا هفتاد و هفت روز قبل از کودتای سوم اسفند را ترسیم کرده است. در این یادداشتهای موقعیت و اوضاع و احوال طبقه حاکمه، طبقات متوسط و عامه مردم در آن سالها به خوبی تبیین و نمونه‌هایی از شیوه زندگی این اقشار عرضه شده است. از این رو اگر به این خاطرات عنوان تاریخ اجتماعی بدهیم بیراهه نرفته‌ایم.

از سوی دیگر این مجموعه را مهمترین منبع تاریخ برجای مانده از تحولات سیاسی آن دوره نیز می‌توان دانست، چرا که به خوبی از پس ترسیم چهره سیاسی کشور و عوامل و چگونگی شکل‌گیری کانون‌های قدرت و جابجایی آن برآمد و نقش مردم، احزاب سیاسی، علما، خوانین و شاهزادگان، قدرتهای خارجی و... را در کم‌کم جنگ قدرت تبیین کرده است. در این خاطرات علاوه بر پرداختن به موضوعات متنوع، از رجال و سیاستمداران فراوانی سخن به میان آمده که در آن نقش‌های تاریخی را در تاریخ معاصر ایران ایفا کرده‌اند و بعضاً مطالبی که درباره آن‌ها آمده اکنون در هیچ منبعی ندیده‌ایم، رجالی همچون سید حسن مدرس، وثوق‌الدوله، ملک‌الشعراى بهار، دکتر محمد مصدق، میرزا کوچک‌خان جنگلی، شیخ محمد خیابانی، دهخدا، امام جمعه خویی، متین‌دفتری، فرخی یزدی، سید محمد بهبهانی، ذکاءالملک فروغی، شیخ ابراهیم زنجانی، اردشیر جی، محتشم‌السلطنه، سادات، سلیمان میرزا اسکندری، مشیرالدوله و صدها نام دیگر، بازیگرانی هستند که صحنه تاریخ معاصر ایران را آرایش کرده و کمره‌ای از هر کدام اطلاعات جالب توجهی به دست می‌دهد.

موضوعات مورد توجه نویسنده نیز علی‌رغم آن که تنوع زیادی دارد، عمدتاً حول چند محور دور می‌زند که مهمترین آنها عبارت است از: اشاره به نقش خارجی‌ها به ویژه انگلیس در تشکیل کابینه‌های دولت ایران؛ شرح مصائب ملت ایران در خلال سالهای جنگ جهانی اول و پس از آن؛ نحوه انتصابات مسؤولان دولتی و حکومتی پس از مشروطه؛ دسته‌بندی‌های فراوان با هدف سهم‌شدن در قدرت؛ احزاب مختلف، خصوصاً حزب دمکرات و جناحهای تشکیلی و

ضد تشکیلی آن؛ ماجرای مربوط به کمیته مجازات و اعضای زندانی و معدوم آن؛ قرارداد ۱۹۱۹ و جریان مخالفت با آن؛ شکوه و شکایت فراوان از اوضاع بد روزگار (سیاسی، اقتصادی، ابن الوقتها و...)؛ تلاش فراوان برای به زیر کشیدن و ثوق الدوله از منصب نخست وزیری؛ اشاراتی به ماجراهای نهضت جنگل؛ جلسات لژ بیداری ایران

شاه بیت یادداشتهای روزانه کمره‌ای، بحث «چه باید کرد؟» است. او پس از مشاهده اوضاع ناگوار کشور و دردهای فراوانی که از آنها به کرات یاد کرده، از خود می پرسد «چه باید کرد؟» و به نظر می رسد این سؤال کم و بیش بی پاسخ، پرسش مشترک همه ایرانیان وطن خواهی بود که آرزوی ایرانی آباد و آزاد را در سر داشتند و بی رسیدن به آن، انقلاب مشروطه را در انداخته و فداکاری‌ها کرده بودند.

زندگی سید محمد کامیاب در یک نگاه

- تولد: ۱۲۸۴ قمری در آمله (میر)
- نام پدر: سید مهدی از طایفه مشغی قلات
- ازدواج: با مریم خواهرزاده سید مصطفی کامیاب، پدر امام خمینی.
- فرزندان: سیداحمد (۱۳۴۲ - ۱۲۷۷ ش) و سید (۱۳۶۰ - ۱۲۸۲ ش)
- تلاش برای قصاص قاتل پدر امام خمینی (۱۲۶۱ ش)
- مرگ همسر اول (۱۳۲۳ ق) و ازدواج دوم
- ورود به جرگه آزادیخواهان در خلال انقلاب مشروطیت در فرقه اجتماعيون عاميون، کمیته بین‌الطلوعین، حزب دمکرات
- عضویت در هیأت رئیسه دیوان محاسبات کشور (۱۳۲۷ ق)
- عضویت در لژ بیداری ایران (۱۳۲۸ ق)
- مهاجرت از تهران به همراه سایر ملیون (۱۳۳۴ ق)
- بازگشت به تهران و در دست گرفتن رهبری مخالفان تشکیل مجدد حزب دمکرات معروف به ضد تشکیلی‌ها (۱۳۳۵ ق)
- نوشتن رساله صلاح امروزه و دعوت از احزاب و گروه‌ها برای تأسیس تشکیل ملی (۱۳۳۶ ق)

— مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ و دستگیری و حبس او در نظمیه به مدت ۱۵ روز (۱۳۳۷ ق)

— برگزاری مجلس ختم برای شیخ محمد خیابانی و اقدام نظمیه در تعطیل کردن آن (۱۳۳۸ ق)

— مخفی شدن پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش و سرانجام دستگیری توسط مأموران نظمیه (۱۳۴۰ ق)

— تشکیل حزب مخفی ملیون در مخالفت با سلطنت رضا شاه و دستگیری او (۱۳۰۸ ش)

— ترور نافرجام

— برگزاری مجلس ختم برای سید حسن مدرس در خانه خود و ممانعت شهربانی از ورود مردم به مجلس (۱۳۱۶ ش)

— درگذشت در ۱۳۰۷/۱۱ (۱۱ روز قبل از سقوط رضاشاه) و دفن در صحن امامزاده عبدالله شهر ری

امید است مندرجات این مجموعه، یاری کننده جویندگان حقیقت در فهم درست‌تر جریان تاریخ معاصر کشورمان باشد.

محمد جواد مرادی‌نیا

تایستان ۱۳۸۱